

نقش سازمان های مردم نهاد در گسترش امنیت انسانی

فرشاد رفیعی*، منصور صباغ گل و رعنا ابراهیمی

چکیده

گسترده‌گی خواستگاه های افراد یک جامعه که می توان آن را همان گسترده‌گی ابعاد امنیت انسانی، موجب شده است که دولت ها به عنوان مراجع و متولیان اصلی برقراری امنیت نتوانند به خوبی در تمام حوزه ها اثرگذاری مقتدرانه ای داشته باشند و این اتفاق موجب شد تا مردم به صورت خودجوش برای تأمین نیازهای خود با تشکیل و پیوستن به سازمان های مردم نهاد¹ (سمن / NGO) اقدام نمایند. در این راستا سازمان های مردم نهاد به عنوان مجامعی برآمده از دل مردم به صورت خودجوش و دارای هدفی مشترک و خیرخواهانه با گرایشات غیر سیاسی، غیردولتی و غیر انتفاعی می توانند نقش های مهم و اساسی را در برقراری و گسترش امنیت انسانی ایفا نمایند. به طور کلی سازمان های مردم نهاد در سراسر دنیا برای گسترش امنیت انسانی می توانند دو نقش اساسی ایفا نمایند. در نقش نخست، این سازمان ها (سمن ها) می توانند زمینه ساز گسترش امنیت انسانی باشند. در نقش دوم بسیاری از سازمان های مردم نهاد با توجه به رسالتی که سازمان برپایه آن بنا شده است، مأموریت هایی را بر عهده دارند که نتایج این مأموریت ها موجب برقراری و گسترش امنیت انسانی می گردد. با این توضیح می توان گفت که سازمانهای مردم نهاد در برقراری و گسترش امنیت انسانی می توانند دو نقش «زمینه ساز» و یا «عامل» داشته باشند. نکته دیگری که لازم است در اینجا به آن پرداخته شود، موضوع چگونگی ایفای نقش سازمانهای مردم نهاد در گسترش امنیت انسانی است. سازمان های مردم نهاد در ایفای هرکدام از نقشهای ذکر شده می توانند دو نوع جهت گیری داشته باشند. در شرایطی که دولت ها تمایل به برقراری و گسترش رسالتی داشته باشند که سازمان مردم نهاد بر اساس آن شکل گرفته است و در این راستا دچار کاستی ها و یا مشکلاتی باشند، سازمان های

* مدیر عامل مرکز مطالعات راهبردی سازمان های مردم نهاد ایران، farshad_rg@yahoo.com

1. Non-Governmental Organization (NGO)

مردم نهاد «جهت گیری مثبت یا مشارکتی» با دولت دارند؛ مانند بحث محیط زیست. ولی در شرایطی که دولت بنا به دلایلی تمایل به رشد برخی از مقوله های مرتبط با امنیت انسانی نداشته باشد، سازمان مردم نهاد با «جهت گیری منفی یا مقابله ای» به ایفای نقش های خود می پردازند برای مثال در مباحث مربوط به حقوق فردی و جمعی (حقوق زنان، حقوق بشر، حقوق کودکان) چنانچه دولتی بنا به منافع خود نخواهد اقدامی انجام دهد، سمن ها با تحت فشار قرار دادن دولت، تلاش می کنند تا آن ها را در مسیر اهداف خود قرار دهند. در مجموع، سازمان های مردم نهاد با هر نوع جهت گیری که داشته باشند می-توانند در این موضوع یا با زمینه سازی (نقش زمینه سازی) و یا با فعالیت های اجرایی (نقش عامل) در گسترش امنیت انسانی نقش بسیار مؤثری داشته باشند. در این مقاله به صورت کامل به تحلیل و بررسی نقش های سازمان های مردم نهاد در برقراری و گسترش امنیت انسانی پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: امنیت انسانی، سازمان های مردم نهاد، سمن.

مقدمه

مسلماً همه ما با واژه امنیت و مشتقات آن برخورد کرده ایم، واژه هایی همچون: امنیت روانی، امنیت شغلی، امنیت اجتماعی، امنیت جانی، امنیت ملی و امثال اینها. از دیر باز امنیت یکی از نیازهای اولیه بشر بوده است به طوری که بسیاری از جنگ ها و صلح ها جهت بدست آوردن و حفظ امنیت رخ داده اند. اگر بخواهیم نقش امنیت در زندگی انسان-ها را بررسی کنیم، می توان آن را به دو بخش امنیت درونی و بیرونی دسته بندی نمود. امنیت درونی یا همان امنیت روانی، مسلماً مهمترین فاکتور زندگی سالم برای هر انسانی می باشد. با پیچیده شدن جوامع و پیرو آن روابط اجتماعی، متغیرهایی که بر روی امنیت روانی افراد تأثیر مستقیم و غیر مستقیم دارند بسیار گسترده گردیده. شغل، طبقه اجتماعی، امید به زندگی، سیاست، عشق، اعتبار اجتماعی و بسیاری موارد دیگر می توانند امنیت روانی افراد را تضمین یا مختل نمایند.

امنیت درونی (امنیت روانی) و امنیت بیرونی (امنیت اجتماعی) به شدت بر روی یکدیگر تأثیر گذار هستند و لازم و ملزوم یکدیگر برای رسیدن به یک جامعه متعالی و شکوفا. رخدادهایی مانند جنگ ها، سوانح و بلایای طبیعی، فساد و هرج و مرج های

اجتماعی، تهدید کننده امنیت اجتماعی یک جامعه می باشند و مسلماً تأثیر مستقیمی بر روی امنیت روانی افراد آن جامعه می گذارد.

امنیت در شالوده بندی حیات آدمی نقش اساسی داشته و با تمام حوزه های فعال زندگی سروکار دارد و تار و پود هستی با آن درهم تنیده است. آدمی همیشه در جمع و با جمع قابلیت تعریف می یابد و کلید این حضور در جمع و جامعه برقراری ارتباط است. بر این اساس تضمین امنیت اجتماعات انسانی لازم و ضروری است؛ چراکه حیات انسان در گرو آنهاست و اختلال در سازوکار آنان موجب نا امنی و پریشانی احوال انسان خواهد بود (نویدینیا: ۱۳۸۵). ولی آنچه مسلم است این است که امنیت اجتماعی برای تحقق، نیازمند پیش نیازی ضروری است. به زبان ساده تر می توان گفت که زمانی یک جامعه می تواند در امنیت کامل ادامه حیات دهد و در سایه آن پیشرفت نموده و شکوفا شود که هر عنصر تشکیل دهنده آن اجتماع از ویژگی یکسان و مشابهی با عنوان امنیت برخوردار باشند یا از نگاهی نو، «امنیت انسانی» در جامعه برقرار باشد.

بدون تردید، تأمین امنیت فردی و جمعی مردم و مصونیت بخشیدن جان و مال و ناموس شهروندان، از وظایف حتمی و قطعی دولتها در هر نظام سیاسی است. از این رو حساسیت، اهمیت، دشواری و پیچیدگی این مأموریت لزوم مشارکت و همکاری مردم را در این عرصه دو چندان می کند. یعنی آحاد شهروندان مجاز و مؤلف هستند در تأمین امنیت خود و دیگران نقشی فعال ایفا نمایند (نمایان: ۱۳۸۵). بدیهی است مشارکت مردم به افراد، هر چند هم که فرد از توانمندی های بالایی برخوردار باشد نمی تواند جای تلاش جمعی را بگیرد، لذا مردم با درک این مهم و برای مشارکت با دولت در تأمین امنیت خود و جامعه، در کنار یکدیگر، اقدام به تشکیل گروه های خودجوش و مستقلی کردند که امروزه به آن ها سازمان های مردم نهاد گفته می شود.

سازمان های مردم نهاد گروه های کوچکی هستند که متشکل از افراد علاقه مند به برطرف نمودن یک معضل (اعتیاد، تخریب محیط زیست، آسیب های اجتماعی، حقوق بشر، بهداشت و ...) بوده و برای تحقق هدف خود به صورت داوطلبانه در یک ساختار قانونی و منسجم به صورت غیردولتی، غیر سیاسی، غیرانتفاعی و تجاری به فعالیت های خیرخواهانه می پردازند. سازمان های مردم نهاد به عنوان جوامعی که از همسویی اهداف و نگاه بخش از افراد جامعه و همچنین مشارکت مردم بایکدیگر در جهت تحقق یک هدف مشترک تشکیل می شوند، می توانند نقش مهمی را در گسترش امنیت انسانی ایفا نمایند.

نکته ای را که می توان در باب اهمیت مشارکت مردم در سازمان های مردم نهاد و کارکردهای مهم آن بیان نمود این است که اولاً مشارکت موجب افزایش و ارتقاء سطح

آگاهی اجتماعی می گردد و ثانیاً این مشارکت باعث اجتماعی شدن و فرهنگ پذیری انسانها گردیده و تمرینی برای زندگی اجتماعی همراه با آزادی و دموکراسی می باشد. همچنین مشارکت های مردم در غالب سازمان های مردم نهاد باعث خود اتکایی و خود باوری شده و در نهایت سازمانهای مردم نهاد که تبلور مشارکت مردم برای تحقق یک هدف مشترک هستند، موجب برآورده شدن نیازهای انسانها در زمینه های فردی، اجتماعی و فرهنگی می گردند(غلامرضایی: ۱۳۸۶)

سازمان مردم نهاد

تعریف

سازمان غیردولتی که معادل واژه (Non-governmental Organization) ترجمه شده است، به سازمان هایی اطلاق می شود که توسط مردم و برای رفع یک مشکل جمعی شکل می گیرند. واژه سازمان مردم نهاد (سمن) از سوی فرهنگستان زبان فارسی و پس از آغاز کار دولت نهم به جای واژه سازمان غیردولتی مور استفاده قرار گرفت. در اولین کارگاه آموزشی اصول مبانی مدیریت سازمان های مردم نهاد که توسط خانه سازمان های غیردولتی استان کرمان در سال ۱۳۸۴ برگزار گردید، سازمان مردم نهاد «یک مجموعه از افراد هم هدف و داوطلب با گرایشات غیرسیاسی، غیرانتفاعی و غیراقتصادی که برای تحقق یک هدف مشترک خیرخواهانه گرد هم جمع شده و طبق ضوابط و قوانین خاصی به انجام فعالیت های مشخص می پردازند» تعریف شد (رفیعی: ۱۳۸۴).

بانک جهانی تعریف نسبتاً شفافی از سازمان غیردولتی ارائه نموده است. بانک جهانی سازمان غیردولتی را از جمله «سازمان های خصوصی بر می شمارد که فعالیت های خود را در حوزه های کاهش امراض، ارتقاء منافع و مصالح فقرا، حفظ محیط زیست، ارائه خدمات اجتماعی اساسی و یا توسعه اجتماعی برنامه ریزی و اجرا می کنند»(رفیعی: ۱۳۸۵).

جولی فیشر^۲ یکی از محققین علوم اجتماعی نیز تعریف کلی از سازمانهای غیردولتی فعال کشورهای جهان سوم نموده است. وی معتقد است «سازمان غیردولتی سازمانهایی هستند که درگیر امور توسعه شده اند».

آژانس توسعه بین المللی در آمریکا (USAID) به عنوان یک نهاد حمایت کننده از سازمانهای مردم نهاد در کشورهای دیگر، تعریفی دیگر و از سازمانهای مردم نهاد ارائه نموده است. از نظر USAID سازمانهای مردم نهاد عبارتند از:

- سازمان هایی که مسائل و مشکلات توسعه همچون فقر یا بی اعتنائی به محیط زیست را تجزیه و تحلیل می کنند و مناظرات و برنامه های آموزش ملی در باب این موضوعات سازماندهی و اجرا می کنند؛
- سازمان هایی که با دیگر سازمان ها و افراد منافع مشترکی دارند؛
- سازمان هایی که از اصلاحات سیاسی و اجتماعی همچون حفظ امنیت و محیط زیست حمایت می کنند؛
- سازمان هایی که از اهداف خاص توسعه همچون خدمات ریزی خانواده یا زیرساختارهای توسعه حمایت می کنند.
- سازمان هایی که خدمات ارائه می دهند. مانند سازمان هایی که برای بهبود وضعیت زندگی و معیشت کودکان تلاش می کنند.

ویژگی ها و انواع

شناخت سازمان های مردم نهاد تنها با اکتفا به تعاریف فوق الذکر محقق نمی شوند بلکه شناخت سمن نیازمند جمع آوری اطلاعات گسترده ای در این حوزه می باشد. بخشی از این اطلاعات، شمال ویژگی هایی می شود که یک سازمان مردم نهاد باید از آن برخوردار باشد. همان طور که گفته شد، یک سازمان باید دارای ویژگی هایی باشد تا بتوان به آن سازمان مردم نهاد گفت. این ویژگیها عبارت است از: غیردولتی؛ غیرانتفاعی و تجاری؛ غیر سیاسی؛ داوطلبانه؛ استقلال هویت؛ اشتراک هدف؛ قانونمند؛ شفافیت؛ آزادی عضویت؛ معافیت مالیاتی؛ تداوم و استمرار.

سازمان های مردم نهاد بر اساس احساس نیاز بخشی از افراد جامعه در جهت رفع نیازهای موجود شکل می گیرند. اگر چه سازمان های مردم نهاد با اهدافی متفاوت و تخصصی تأسیس می شوند ولی می توان آن ها را در گروه های مختلفی دسته بندی نمود. تقسیم بندی سازمان های مردم نهاد بر اساس نوع فعالیت متنوع هستند: علمی - پژوهشی؛ حقوقی (سمن های مدافع حقوق بشر، حقوق زنان و حقوق کودک)؛ ورزشی؛ امداد و نجات (جمعیت هلال احمر و ...)؛ مذهبی؛ خیریه های سنتی؛ بهداشتی (پیشگیری از ایدز، بیماران کلیوی، بیماران خاص و ...)؛ پیشگیری از اعتیاد؛ هنری؛ حفاظت از محیط زیست؛ دوستدار میراث فرهنگی و گردشگری؛ پیشگیری از آسیب های اجتماعی؛ هر کدام از این سمن ها

اهداف خود را در جهت پیشبرد و دستیابی به رسالتی که بر گردنشان می باشد تنظیم و به فعالیت می پردازند.

امنیت و امنیت انسانی

تعریف امنیت

امنیت از ریشه لاتین (Secures) گرفته شده است که از نظر لغوی به معنای «نداشتن دلهره و دغدغه» است. در لغتنامه دهخدا در مقابل کلمه امنیت، «بی خوف، امن، بی بیمی، ایمنی، ایمن شدن» آمده است. در لغتنامه عمید نیز واژه امنیت «در امان بودن، ایمنی، بی ترسی، آرامش و آسودگی» معنی شده است. با ذکر موارد فوق در خصوص مفهوم لغوی امنیت، اکنون می توان امنیت را احساس رهایی از تشویش، اضطراب، ترس (نصری: ۱۳۸۱) یا احساس آرامش و اطمینان خاطر (ماندل: ۱۳۷۹) دانست. برخی از محققان هم برای تعریف واژه امنیت از دید دیگری به قضیه نگاه کرده اند. از دیدگاه این محققان، امنیت به معنای از بین رفتن نگرانی ها و تهدیدات است. در واقع واژه امنیت بدون وجود عنصر تهدید، هیچگونه مفهومی ندارد؛ همانطور که اگر ظلمتی وجود نداشت ما هرگز نمی توانستیم مفهوم روشنائی را درک کنیم، چنانچه هیچ تهدیدی وجود نداشت، واژه امنیت هیچگونه معنا و مفهومی نمی یافت. چنانچه بخواهیم به زبانی ساده امنیت را تعریف کنیم می توانیم بگوییم امنیت یعنی «استفاده بهینه از فرصت ها برای رفع تهدید ها». از این تعاریف می توان نتیجه گیری نمود که امنیت از دو عنصر اساسی تهدید و فرصت سرچشمه می گیرد (خلیلی: ۱۳۸۱). بنابراین تحقق و گسترش امنیت از یکسو منوط به مقابله با تهدیدها است و از سوی دیگر پیامد بهره گیری از فرصت ها. سازمان های مردم نهاد با توجه به ماهیتشان می توانند به طور مستقیم و غیر مستقیم بر این دو عنصر یعنی مبارزه با تهدیدات و بهره گیری از فرصت ها تأثیرگذار باشند.

تعریف امنیت انسانی

امنیت انسانی واژه ای نسبتاً جدید است که امروزه به صورت گسترده برای تعریف تهدیدات داخلی پیچیده یا جنگ داخلی، قتل عام و نژادپرستی و بی خانمانی همراه شده است. محققان بسیاری سعی در تعریف و تشریح این واژه داشته اند و هرکدام تفاسیر مختلفی از امنیت انسانی داشته اند. با گسترش این واژه، بحث امنیت انسانی توجه بسیاری از محققین

را به خود جلب نمود. برخی از این محققین امنیت انسانی را برابر با امنیت ملی تعریف نمودند. ایشان معتقد بودند، برقراری امنیت ملی موجب برقراری امنیت انسانی می شود و دولت ها باید تمام توان و بودجه امنیتی خود را صرف برقراری و حفظ امنیت ملی نمایند. آنچه که بدیهی است این است که توسعه امنیت ملی تأثیر مستقیمی بر گسترش امنیت انسانی دارد ولی آیا در کشورهایی که از امنیت ملی بالایی برخوردارند، احساس امنیت در آن ها بالاست؟ تحقیقات نشان می دهند که مردمی که در کشورهایی که از نظر امنیت ملی در سطح بالایی قرار دارند زندگی می کنند، آنچنان احساس امنیت نمی کنند.

امنیت انسانی و امنیت ملی باید به صورت دو جانبه یکدیگر را تقویت نمایند که معمولاً این اتفاق می افتد. ولی کشورهای امن لزوماً برای مردمشان امنیت ندارند و یا به زبانی دیگر لزوماً در کشورهای امن امنیت انسانی وجود ندارد. حفاظت از شهروندان در برابر حملات خارجی تنها می تواند یک شرط لازم برای حفاظت از افراد باشد، اما این شرط کافی نیست. چراکه در طول ۱۰۰ سال گذشته بسیاری از مردم توسط دولت هایشان کشته شده اند تا اینکه ارتش های خارجی آنها را به قتل رسانده باشند. هدف سنتی امنیت ملی دفاع از کشور در برابر تهدیدات است و تمرکز امنیت انسانی در برابر آن، حفاظت از تک تک افراد جامعه است.

متأسفانه طرفداران نظریه «همسانی امنیت ملی و امنیت انسانی» نتوانستند نظریه و اعتقادات خود را اثبات کنند. پس از آن و به دلیل اینکه چارچوب های تحلیلی که به صورت سنتی، جنگ های بین کشورها را شرح داده اند- و سیاستگذاری ها را برای پیش گیری از آنها مقرر داشته اند- و هیچ ارتباطی با خشونت های داخلی کشورها نداشتند لازم بود که نگاهی مجدد به مقوله امنیت انسانی شود. آمار ارائه شده نشان می دهند که خشونت های داخلی اکنون بیش از ۹۵٪ درگیری های مسلحانه را تشکیل می دهد (UNDP:2005). به هر حال، توافق همه جانبه در باره آن تهدیدات فردی که مردم باید در برابرشان تحت حفاظت قرار بگیرند تعریف نشده است. در این اقدام محققین مقوله امنیت انسانی دو دسته طرفدار پیدا کردند.

گروه اول یا حامیان مفهوم محدودتر امنیت انسانی، بیشتر دنباله روی همان نظریه پردازان پیشین بودند و نگاه خود را روی تهدیدات خشونت آمیز فردی و حفاظت از جوامع و افراد در برابر خشونت داخلی متمرکز نمودند. ولی طرفداران معنای گسترده امنیت انسانی نگاه دقیق تر و نوینی به این مفهوم داشتند. آن ها مدعی هستند که موارد مورد بحث در امنیت انسانی باید مفاهیم گرسنگی، بیماری، فقر، حقوق فردی و انسانی و بلایای طبیعی را نیز دربرگیرد؛ زیرا این موارد انسان های بیشتری را تا جنگ، قتل عام و تروریسم

به هلاکت رسانده است. رویکرد سیاستمداران امنیت انسانی، بر این است که به اندازه ای که برای جنگ ها برنامه ریزی می کنیم باید به دنبال حفاظت از مردم در برابر این تهدیدات نیز باشیم. این گروه در گسترده ترین تدوین خود از برنامه های امنیت انسانی، تأمین اقتصادی و شأن انسانی را نیز در این رویکرد وارد کرده اند.

رویکرد جدید امنیت اجتماعی موجب تغییر توجهات از رویکرد «دولت محور» به رویکرد «مردم محور» به منظور ارتقاء امنیت و تمرکز بر مردمی که به طور بالقوه در خطر هستند شد (UNDP:1994). بر اساس نظریات طرفداران گسترده مفهوم واژه امنیت انسانی، می توانیم تعاریفی جدید از امنیت انسانی ارائه کنیم. در یک از این تعاریف می توان امنیت انسانی را «توانمندی شهروندان برای تأمین سلامت خود در مقابل مخاطرات ناشی از اعمال حاکمیت دولت ها و سوانح طبیعی» تعریف نمود.

جنبه های امنیت انسانی

با توجه به نظریات حامیان مفهوم گسترده امنیت انسانی می توان جنبه های مختلف امنیت انسانی را در سه گروه تقسیم بندی نمود. این گروه ها عبارتند از «جنبه های بنیانی»، «جنبه های شخصی» و جنبه های سلطه ای» امنیت انسانی.

در جنبه بنیادی امنیت انسانی مواردی مانند: امنیت جانی، امنیت حیاتی (خوراک، پوشاک، مسکن)؛ امنیت اقتصادی (فقر)؛ امنیت در مقابل اعتیاد؛ امنیت زیست محیطی؛ امنیت بهداشتی؛ امنیت در مقابل سوانح طبیعی قرار می گیرند. در جنبه های شخصی امنیت انسانی مواردی مانند: امنیت حقوق فردی (حقوق زنان، حقوق کودکان و ...)؛ امنیت فرهنگی؛ امنیت شخصیت؛ امنیت هویت؛ امنیت در مقابل تبعیض قرار می گیرند. در جنبه های سلطه ای امنیت انسانی نیز مواردی مانند امنیت در مقابل استثمار؛ امنیت جنسیتی (فروش زنان و استفاده ابزاری از زنان) و امنیت آزادی فردی (بردگی) قرار دارند.

تهدیدات امنیت انسانی

تهدیدات امنیت انسانی را می توان به دو گروه «تهدیدات مستقیم» و «تهدیدات غیرمستقیم» تقسیم بندی نمود. تهدیدات مستقیم شامل مرگ های غیر طبیعی مانند قربانیان جرایم خشن، قتل، تروریسم، تجاوزات جنسی، نژاد ستیزی؛ برخوردهای غیرانسانی مانند بردگی، خرید و فروش زنان و کودکان؛ مواد مخدر مانند اعتیاد به مواد مخدر و داروهای روان گردان؛ تبعیض و سلطه مانند رسوم و قوانین تبعیض بر علیه زنان، تجاوز به حقوق انسانی و تنازعات بین المللی مانند مستعمره قرار گرفتن می شوند. تهدیدات

غیرمستقیم نیز شامل محرومیت از نیازهای اساسی همچون آب، غذا، پوشاک و مسکن؛ بیماری و شیوع آن؛ توسعه نیافتگی مانند تورم، بیکاری، بی عدالتی، رشد بی رویه جمعیت، فقر و ...؛ جابجایی جمعیت شامل پناهندگی و مهاجرت ها و تخریب محیط زیست؛ تخریب منابع طبیعی و آلوده سازی محیط زیست می شوند.

نقش های سازمان های مردم نهاد در گسترش امنیت انسانی

در هزاره سوم و در این عصر، سازمان های غیررسمی همچون اشخاص، گروه های اجتماعی، سازمان های مردم نهاد و نظایر اینها به جهت مشارکت متعارف افراد جامعه در تصمیم ها می توانند یکی از راه کارهای ایجاد امنیت انسانی باشند (گلشن پژوه: ۱۳۸۱). عضویت و پیوستن افراد به ویژه جوانان به سازمان های مردم نهاد می تواند زمینه مشارکتی را در جهت گسترش امنیت انسانی فراهم آورد. علاوه بر مشارکت افراد در گسترش امنیت انسانی، عضویت در اینگونه سازمان ها به خودی خود می تواند مانع از تهدید امنیت انسانی شود. نکته قابل توجه و مهم، در اثر گذاری سازمان های مردم نهاد بر گسترش امنیت انسانی، پرهیز از تبدیل شدن سمن ها به گروه های فشار می باشد. همانگونه که می دانید در جهت گسترش امنیت دو رویکرد وجود دارد. رویکرد انفعالی (سلبی) که با ایجاد فشار و مبارزه با عاملان اخلال در امنیت سعی در ایجاد امنیت دارد و رویکرد ایجابی (مثبت) که با ایجاد بسترهای مناسب به گسترش امنیت می پردازد (قالیباف: ۱۳۸۲). سازمان های مردم نهاد با توجه به هویت اجتماعی و مبتنی بر مشارکت خود از رویکرد دوم در جهت گسترش امنیت انسانی بهره می برند. به طور کلی سازمان های مردم نهاد در گسترش امنیت انسانی به طور مستقیم و غیرمستقیم می تواند دو نقش اصلی را ایفا نماید. نقش زمینه ساز (غیر مستقیم) و نقش عامل گسترش (مستقیم).

سازمان های مردم نهاد در نقش زمینه ساز

در ایفای این نقش، سازمان های مردم نهاد به طور مستقیم برنامه ای در جهت گسترش امنیت انسانی اجرا نمی کنند بلکه به طور غیرمستقیم و در روند تحقق اهداف درونی سمن موجب زمینه سازی در گسترش امنیت انسانی می شوند. در این شرایط، سازمان های مردم نهاد موجب ارتقاء سطح آگاهی و توانایی افراد عضو شده و با تکیه بر آموزش هایی که اعضاء به خودی خود و با قرار گرفتن در ساختار سمن دریافت می نمایند زمینه مساعدی را برای

گسترش امنیت انسانی فراهم می سازند که در مباحث بعدی به بررسی برخی مصادیق آن پرداخته شده است.

سازمان مردم نهاد در نقش عامل گسترش امنیت انسانی

برخی از سازمان های مردم نهاد بر اساس رسالت و مأموریت های خود به طور مستقیم بر گسترش امنیت انسانی تأثیر گذار هستند. به زبان دیگر، تحقق اهداف آن گونه سازمان های مردم نهاد موجب برقراری و گسترش امنیت انسانی می شوند. برای مثال رسالت و اهداف سازمان های مردم نهاد امدادی، در جهت کاهش تلفات جانی در بلایای طبیعی تدوین شده است. این اهداف تأثیر مستقیمی بر گسترش «امنیت در مقابل سوانح طبیعی» دارد که زیرمجموعه ای از جنبه بنیانی امنیت انسانی می باشد. در این باب از مقاله حاضر، به تحلیل و بررسی عواملی پرداخته شده است که مبین تأثیرات سازمان های مردم نهاد بر امنیت انسانی در جامعه می باشند.

عوامل مؤثر سازمان های مردم نهاد بر امنیت انسانی

امنیت انسانی و آگاهی

ضعف اطلاعاتی افراد و عدم وجود آموزش های لازم از سوی دولت و خانواده ها، یکی از مهمترین عواملی است موجب به مخاطره افتادن امنیت افراد در بخش ها و جنبه های مختلف امنیت انسانی می شود. برای مثال؛ بخش عمده ای از مبتلایان به بیماری ایدز علت ابتلا به این بیماری را عدم آگاهی در خصوص عوامل ابتلا و راه های پیشگیری از آن ابراز نموده اند (کیوان نیا: ۱۳۸۵). یکی از کارکردهای سازمان های مردم نهاد در قبال اعضاء خود و حتی جامعه ای که سمن در آن ادامه حیات می دهد، ارتقاء سطح آگاهی است. سازمان های مردم نهاد به شکل مستقیم و غیرمستقیم میزان یادگیری را در افراد بالا برده و موجبات ارتقاء سطح آگاهی اعضاء را به وجود می آورند. عملکرد سمن ها در حوزه آگاهی بخشی می تواند هم به نقش زمینه سازی و هم نقش عاملی داشته باشد. ولی موضوع اصلی این است که سازمان های مردم نهاد در چه زمینه هایی می توانند به ارتقاء سطح آگاهی بپردازند.

آگاهی بخشی در خصوص حقوق فردی: هر انسان برای حضور فعال و تأثیرگذار در هر جامعه ای نیازمند برخورداری از حقوقی مشخص است که حدود عملکرد فرد را

تعیین می‌کند. رعایت این حقوق از سوی تمام افراد جامعه، می‌تواند موجبات برقراری امنیت انسانی را فراهم آورد. راننده ای که از حقوق خود و عابران پیاده در خیابان مطلع است، به خود اجازه نمی‌دهد که با زیر پا گذاشتن این حقوق امنیت فرد پیاده را به خطر بیندازد و بالعکس عابری که از حقوق خود مطلع است، هرگز اجازه نخواهد داد که افراد بی‌ملاحظه به حقوق ایشان تجاوز نمایند. همانگونه که می‌دانیم، شکل‌گیری سازمان های مردم نهاد بر پایه احقاق حقوق افرادی است که یا مورد توجه قرار نگرفته است و یا پایمال شده است. برای مثال یک سازمان مردم نهاد مدافع حقوق زنان در جهت اطلاع رسانی به زنان در مورد حقوق‌شان و همچنین تمرکز بر رعایت این حقوق شکل می‌گیرند. افرادی که در اینگونه سمن‌ها فعالیت می‌کنند باید از حقوق فردی خود در اجتماع و همچنین حقوق سایرین اطلاعاتی کامل داشته باشند تا بتوانند در مسیر تحقق اهداف خیرخواهانه سمن فعالیت نمایند. اگرچه ممکن است فرد بدون اینکه این آموزش‌ها را دیده باشد به عضویت یک سازمان مردم نهاد در آید ولی با قرارگرفتن در آن سمن این آموزش‌ها را فرا خواهد گرفت و نسبت به ارتقاء آگاهی سایرین نیز قدم خواهد برداشت.

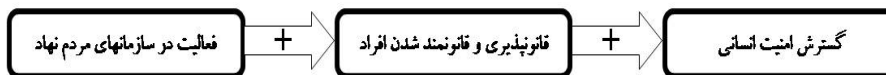
آگاهی بخشی در خصوص مسئولیت پذیری: افراد و جامعه در قبال یکدیگر مسئولیت‌هایی را برعهده دارند که این مسئولیت‌ها نشأت گرفته از قوانین، عرف و یا اعتقادات آدمی است. کمک به هم نوع مسئولیتی نیست که قانون بر گردن فرد گذارده باشد بلکه هر انسان مسلمان بر پایه اعتقادات مذهبی و دینی خود کمک به انسان‌هایی که به نوعی یکی از جنبه‌های امنیت انسانی آنها به مخاطره افتاده است را به عنوان یک مسئولیت فردی قلمداد می‌کند. در واقع اینگونه افراد خود را در قبال خداوند مسئول می‌دانند. از نگاهی و با توجه به اینکه پایه و اساس تشکیل سمن‌ها بر اساس خدمات خیرخواهانه و احساس مسئولیت بخشی از مردم در قبال جامعه می‌باشد، می‌توان گفت که فردی که به عضویت سمن در می‌آید از پیش در قبال جامعه احساس مسئولیت کرده است. ولی به طور کلی افراد با حضور در سازمان مردم نهاد از مسئولیت‌های خود به عنوان یک انسانی که به صورت داوطلبانه برای رفع بخشی از نیازهای حیاتی و اجتماعی افراد جامعه فعالیت می‌کند، از مسئولیت‌های خود در قبال جامعه هدف و انسان‌ها مطلع می‌شود. افزایش آگاهی افراد در مورد مسئولیت‌ها، اولین گام در مسئولیت‌پذیری است و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه، تأثیرات زیادی بر برقراری و گسترش امنیت انسانی خواهد داشت.

آگاهی بخشی در خصوص تهدیدها: امنیت بر پایه دو عنصر فرصت‌ها و تهدیدات شکل می‌گیرد. یعنی استفاده از فرصت‌ها در جهت رفع تهدیدات. برای اینکه بتوان قدمی

در جهت رفع تهدیدات برداشت در وهله اول لازم است بدانیم که تهدیدات امنیت انسانی کدام است. آگاهی از تهدیدات یکی از مهمترین اقداماتی است که می توان در خصوص برقراری و گسترش امنیت انسانی انجام داد. سازمان های مردم نهاد می توانند در این زمینه مؤثر باشند. قرار گرفتن در ساختار سازمان های مردم نهاد موجب می شود که افراد از تهدیداتی که هویت و ثبات اعضاء و آن سازمان مردم نهاد را - که هر فرد خود را جزئی از آن می داند- شناسایی نموده و حتی درصدد رفع آن ها برآید. این روند تمرینی است برای فرد که این تهدیدات را از جامعه ای کوچک (همچون سمن) به جامعه ای بزرگتر (همچون شهر، کشور) تعمیم داده و اهمیت مقابله با این تهدیدات را به خوبی درک نماید. این درک از تهدیدات موجود، باعث می شود که فرد در صدد رفع آنها، خود را توانمند سازد. این توانمندی گامی است مؤثر بر برقراری و گسترش امنیت انسانی.

امنیت انسانی وقانون مندی

امنیت و به ویژه امنیت انسانی در سایه رعایت قوانین و قانونمندی همه افراد جامعه پدید می آید. عدم توجه به قوانین و مقررات یکی از اساسی ترین عوامل در به مخاطره افتادن امنیت انسانی است و بر کلیه جنبه های امنیت انسانی تأثیر گذار است. برای مثال؛ عدم رعایت قوانین مربوط به سرعت وسایل نقلیه بر جنبه امنیت جانی بحث امنیت اجتماعی اثرگذار است، همچنین عدم رعایت قوانین مربوط به سودهای اقتصادی منجر به مخاطره در امنیت اقتصادی می گردد و از این بحث می توان نتیجه گرفت که پایبندی و یا عدم پایبندی به قوانین و مقررات اجتماعی، یکی از عوامل مؤثر بر امنیت انسانی است. حال لازم است نقش و یا تأثیر گذاری سازمانهای مردم نهاد را بر میزان قانون پذیری و قانونمندی افراد بررسی نماییم. همانگونه که پیشتر نیز گفته شد یکی از ویژگیهای سازمانهای مردم نهاد قانونمندی آنهاست. به بیان دیگر چنانچه سازمان غیردولتی و داوطلبی از ویژگی قانونمندی برخوردار نباشد، نمی توانیم آن را سازمان مردم نهاد تلقی نماییم. از آنجا که این ویژگی (قانونمندی) لازمه هویت بخشی به یک سازمان مردم نهاد می باشد، افرادی هم که علاقه مند به فعالیت در آن سمن هستند، باید ضمن پذیرش این قوانین به آن عمل نمایند. افرادی که توانایی پذیرش قوانین را نداشته باشند به خودی خود از بدنه سمن ها خارج می شوند. این موضوع بیان کننده این است که حضور در یک سازمان مردم نهاد نیازمند قانون مدار بودن و قانونمندی فردی است.



از سوی دیگر، افرادی که با عضویت سازمانهای مردم نهاد اقدام به فعالیتهای داوطلبانه می نمایند، برای اجرای صحیح فعالیت ها و اقدامات نیازمند رعایت قوانین مشخصی می باشند که فرد لازم است این قوانین را بیاموزد. این آموزش و یادگیری از طریق برگزاری کلاس انجام نمی گیرد بلکه فرد با قرار گرفتن در جریان فعالیتهای و کسب تجارب به این توانایی دست پیدا می کند. این روش آموزش که در روشهای آموزش به عنوان «آموزش غیرمستقیم» از آن یاد می شود یکی از اثرگذارترین تکنیکها در جهت آموزش مباحث به افراد به ویژه در سازمانهای غیردولتی می باشد. کسب این تجارب و این آموزشها اثرگذاری زیادی بر قانون پذیری و قانونمند شدن اعضاء و فعالان سازمانهای مردم نهاد دارد. نتیجه به دست آمده از این بحث بیان کننده تأثیرگذاری سازمانهای مردم نهاد بر قانونمندی فردی اعضاء خود و همچنین تأثیر مثبت قانونمندی افراد بر گسترش امنیت انسانی است که تصویر زیر آمده است. با نگاهی به نقشهایی که سمن ها می توانند در گسترش امنیت انسانی ایفا نمایند، می توان گفت که در گسترش امنیت انسانی از طریق قانونمندی، سمن ها نقش زمینه ساز را ایفا می نمایند.

امنیت انسانی و هویت

یکی از مهمترین عوامل اثر گذار بر امنیت انسانی در یک جامعه بحث هویت و یا بحران هویت است. جوانی که در خانواده دیده نشده و مدام تحقیر شده است و به واقع نتوانسته هویت اصلی و انسانی خود را بیابد، مسلماً گرفتار بحرانی شدید می شود. اینچنین فردی با حضور در جامعه و برای سرکوب کردن این احساس حقارت، درصدد معرفی خود به جامعه به عنوان یک انسان بر می آید. حال اگر جامعه نتواند راهنمای خوبی برای او باشد، این فرد از راههایی غلط به رفع نیاز خود خواهد پرداخت. ساده ترین و اولین اقدام یک فرد به ویژه جوانان و نوجوانان برای قراردادن خود در معرض توجه سایرین و ابراز وجود، تغییر در نوع پوشش و استفاده از رفتارهای خاصی است که توجه سایرین را به خود جلب نماید. اینگونه رفتارها که ناشی از قرار گرفتن فرد در بحران هویت است اثرات شدیدی بر روی برخی از جنبه های امنیت انسانی خواهد گذاشت. جوانی که علاقه مند است به عنوان عضوی فعال و تأثیرگذار در جامعه محسوب شود، چنانچه جامعه نتواند این نیاز وی را پاسخ دهد، ممکن است در دام گروهک های نوظهوری همچون شیطان پرستان و ... گرفتار گردد.

بحران هویت یکی از مهمترین عواملی است که به خودی خود می تواند موضوع چندین سمینار، همایش و کتاب باشد. جوان با حضور در یک سازمان مردم نهاد و با پذیرفتن مسئولیت در قبال سایر اعضاء سازمان مردم نهاد و همچنین جامعه خود و با

دخالت در برنامه ریزی های ملی برای ساختن آینده می تواند هویت خود را بازیابد. جوانی که از میزان ارزش خود در جامعه، میزان تأثیرگذاری بر امور و نیاز جامعه به حضور او مطلع باشد هرگز به سمتی کشیده نخواهد شد که بخواهد با انتخاب پوششی خاص و غیر متعارف، خود را در جامعه نشان دهد و یا با عضویت در گروهک های نو ظهور دینی نیازهای اجتماعی خویش را ارضا نماید. ولی جوانی که به عضویت یک سازمان مردم نهاد در می آید، در هر لحظه به فکر این است که چگونه می تواند نقش خود را در کمک و پیشرفت جامعه پر رنگ تر نماید. سازمانهای مردم نهاد بر اساس ساختار حاکم، موجب بازیابی هویت فرد شده و نقش، اهمیت و اثربخشی ایشان را در روند رشد جامعه به تصویر می کشد. مسلماً این افراد نه تنها تهدیدی برای امنیت اجتماعی نیستند بلکه دولت می تواند با برنامه ریزی دقیق و با بکارگیری ایشان در سازمانهای مردم نهاد گامهای موثری برای گسترش امنیت انسانی بردارد.

امنیت انسانی و مسئولیت پذیری

در تحقیقی با عنوان «بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی جوانان و امنیت اجتماعی» که توسط وجیهه جلائیان در سال ۱۳۸۶ انجام شده است، نتیجه ای حاصل شده که نشان دهنده ارتباط معنی دار و مثبتی بین مسئولیت پذیری جوانان و امنیت اجتماع وجود دارد (جلائیان: ۱۳۸۶). این بیان کننده این مطلب است که افزایش مسئولیت پذیری در بین جوانان موجب گسترش امنیت در میان مردم می گردد. از آنجا که جنبه های امنیت انسانی تشکیل دهنده امنیت اجتماع می باشند، می توان نتیجه گیری نمود که مسئولیت پذیری بر گسترش امنیت اجتماعی تأثیر گذار است.

چنانچه کمی به گذشته بازگردیم خواهیم دید که خانواده ها به عنوان مهمترین رکن یک جامعه تلاش می کردند تا از همان دوران نوجوانی و جوانی فرزندان خود را مسئولیت پذیر تربیت نمایند. اگر گامی به عقب بگذاریم، می توان رد پای این موضوع را در خاطرات پدران و مادرانمان ببینیم. دختران و پسران به محض اینکه از نظر جسمانی توانایی می یافتند به جامعه خود خدماتی ارائه دهند، از سوی خانواده ها مسئولیت های زیادی را دریافت می کردند و از همان سنین کودکی و نوجوانی، خود را در قبال خانواده و حتی جامعه مسئول می دانستند. این مسئولیت پذیری موجب می شد تا فرد نسبت به امنیت خود، خانواده خود و جامعه احساس خطر نماید و تدابیری را در جهت ارتقاء امنیت خود بیاندیشد.

امروزه با سلطه قدرتمند جهان مدرن، خانواده ها روز به روز میزان مسئولیت های محوله به کودکان و نوجوانان خود را کم و کمتر می کنند تا آنجایی که امروزه مشاهده می شود جوانان و نوجوانان نه تنها در قبال جامعه مسئولیتی را احساس نمی کنند بلکه هیچگونه احساس مسئولیتی در قبال خانواده خود نیز ندارند. مسلماً این گونه افراد با قرار گرفتن در شرایط نامساعد، از عاملان مهم اخلال در نظم و امنیت فردی می شوند. البته هنوز هم چنانچه به جوامع روستایی بنگریم تبلور مسئولیت پذیری جوانان و واگذاری مسئولیت توسط خانواده ها را خواهیم دید. برای مثال؛ پسران جوان و چه بسا نوجوان مسئولیت مهمی همچون به چرا بردن گله کل ساکنان روستا را برای چند روز برعهده می گیرند. این افراد از همان دوران نوجوانی می آموزند که در قبال جامعه خود مسئول هستند و وامنیت خود را به دلیل اینکه جامعه و خانواده به وی نیازمند هستند مورد توجه قرار می دهند.

در دنیای امروز سازمانهای مردم نهاد مخصوصاً سازمانهای مردم نهاد جوانان می توانند نقش بسیار مهمی در این خصوص ایفا نمایند. فعالیت افراد در یک سازمان مردم نهاد به عنوان یک جامعه کوچک، با توجه به اینکه فعالیت در اینگونه از سازمانها نیازمند پذیرش مسئولیت های مختلفی می باشد می تواند این حس (مسئولیت پذیری) را در فرد افزایش دهد. فعالیت در سازمانهای مردم نهاد موجب ارتقاء احساس مسئولیت در جوانان شده که این احساس خود به خود از یک جامعه کوچکی همچون سمن به جوامع بزرگتر تعمیم می یابد و فرد را از گرایش به سمت رفتارهای مخل امنیت فردی و انسانی منع می کند (رفیعی: ۱۳۸۷). تجربیات نشان می دهند که در بسیاری از مواقع نه تنها فرد با افزایش توانمندیهای خود روز به روز بر احساس مسئولیتش در سازمانهای مردم نهاد می افزاید بلکه در اکثر اوقات دوستان نزدیک خود را نیز برای فعالیت در سمن و پذیرش مسئولیت های مختلف تشویق می نماید.

امنیت انسانی و اعتیاد

اعتیاد به ویژه اعتیاد جوانان به مواد مخدر و انواع متنوع داروهای روان گردان، یکی از مهمترین جنبه های امنیت انسانی و یکی از اصلی ترین دغدغه های هر فرد، هر خانواده، هر کشور و به طور کلی دنیا در هزاره سوم است. اعتیاد از جمله معضلاتی است که بیشترین بودجه دولتی و بین المللی را به خود اختصاص داده است و متأسفانه در سطح دنیا نه تنها نتایج به دست آمده کاهش معتادین را نشان نمی دهد، بلکه روز به روز و لحظه به لحظه بر این آمار افزوده می شود. اعتیاد یکی از مهمترین مخاطرات امنیت انسانی در تمام نقاط

دنیاست و سالهاست که این مورد به شکل تهدیدی بین المللی در آمده است. سازمانهای مردم نهاد به عنوان مجامعی تأثیر گذار، در این حوزه به مشارکت دولت شتافته اند تا بتوانند بر کاهش آمار وحشتناک اختیار تأثیر بگذارند. سازمانهای مردم نهاد مبارزه با اعتیاد همچون NA با اعلام موجودیت و با حضور در جامعه نقش مهمی را در کمک به دولت و همچنین معتادین ایفا نموده اند. در کشورهای پیشرفته دنیا، سازمانهای مردم نهاد به دلیل اینکه سازمانهایی برآمده از دل مردم می باشند بیشترین مسئولیت را در پیشگیری و حتی درمان این بیماری خانمان سوز برعهده دارند (رفیعی: ۱۳۸۷).

سازمانهای مردم نهاد به عنوان عاملان مبارزه با اعتیاد به دو صورت می توانند به رسالت خود در جامعه عمل نموده و در گسترش امنیت انسانی اثرگذار باشند. در درجه اول این سازمانها با انجام آموزشهای لازم به اطلاع رسانی در جامعه برای پیشگیری از گرایش افراد به اعتیاد می پردازند و در دجه دوم با ارائه خدمات مختلف به معتادین، شرایط ترک اعتیاد را برای ایشان فراهم و از آنها مراقبت های لازم را برای جلوگیری از بازگشت مجدد ایشان به عمل می آورند. تأثیرگذاری فعالیت های سازمانهای مردم نهاد در این راستا به حدی است که سالانه دولت بودجه زیادی را برای فعالیت های بشردوستانه و داوطلبانه سازمانهای مردم نهاد در نظر گرفته و از آنها نهایت بهره برداری را در امر مبارزه با اعتیاد می برند.

امنیت انسانی و گرایشات مذهبی

یکی از اصلی ترین عواملی که موجب برقراری و گسترش امنیت انسانی می گردد، پایبند بودن افراد به دستورات دینی و تمایل و گرایش به مذهب است. اگرچه به طور ذاتی گرایش داشتن به هر مذهبی موجب ارتقاء سطح امنیت انسانی می گردد ولی با توجه به اینکه دین اسلام، کامل ترین دین است که کلیتاً جنبه های زندگی بشر را بررسی نموده و برای تک تک رفتارهای آن دستوراتی ارائه نموده است از تأثیر بیشتری برخوردار است. برای مثال چنانچه دستورات مربوط به خمس و ذکات بکار گرفته شود، اثرات زیادی بر امنیت اقتصادی و امنیت حیاتی مردم خواهد داشت. همچنین دین مبین اسلام دستورات فراوانی در جهت ارتقاء جان انسان دارد که این موضوع تأثیر زیادی بر توسعه امنیت جانی دارد. سازمانهای مردم نهاد مذهبی با تمرکز بر فعالیتهای ترویجی، گامهای بسیاری مؤثری در جهت ارتقاء سطح دانش مذهبی جامعه بر داشته اند. علاوه بر هیئت های مذهبی که سالهاست در این رابطه فعالیت می کنند، در نسل جدید اینگونه سازمانها، سمنهای فعال و توانمندی تشکیل شده اند که همگام با نیازهای جامعه به تحقق اهداف خود می پردازند.

آسیب شناسی سازمان های مردم نهاد در تهدید امنیت انسانی

آنچه مسلم است هر پدیده ای دارای دو وجه مثبت و منفی است. تا به اینجا در خصوص وجوه و تأثیر گذاری مثبت سازمانهای مردم نهاد بر امنیت انسانی سخن گفتیم و لازم است مباحثی در خصوص وجوه منفی آن ذکر گردد. روند تأسیس و شکل گیری نسل جدید سازمانهای مردم نهاد در کشور ایران در دولت هشتم پایه گذاری شد. این اقدام بزرگ دریچه هایی نو را بر روی مشارکت مردم با دولت و همچنین دخالت مردم در تصمیم گیری در سرنوشت خود داشت. با این اقدام قالبهای سنتی فعالیت های غیردولتی شکسته شد و فعالیت سازمانهای مردم نهاد بر پایه علم بنا نهاده شد. این اقدام بزرگ در سازمان ملی جوانان نمود بیشتری پیدا کرد و این سازمان با حمایت از جوانان، با سرعت بالایی آمار سازمانهای مردم نهاد جوانان را افزایش می داد. تمام اقدامات انجام شده در این حوزه از جمله نیازهای یک جامعه برای رسیدن به تعالی بود. تنها نکته ای که شاید کمتر به آن توجه گردید، این بود که جامعه برای پذیرش سمن ها آماده نشده بود و هیچگونه آموزشی در این حوزه صورت نپذیرفت. این نکته موجب شد تا برخی از این سمن ها به جای اینکه در کمک به تعالی و رشد کشور با دولت مشارکت نمایند، خود تهدیدی برای امنیت اجتماعی شوند. افراد و گروه های سازمان یافته منافق نیز از این فرصت استفاده نموده و موجب انحراف تعداد بسیار محدودی از این سمن ها شدند. این موضوع موجب شد تا این سمنها رسالت خود را فراموش نموده و با پرداختن به حاشیه های غیرضروری، موجب انحرافات برخی از افراد به ویژه جوانان را فراهم آورد که این خود تهدیدی بود برای امنیت انسانی. فعالیت های برخی از سازمانهای مردم نهادی که به دلیل عدم آموزش و بازیچه قرار گرفتن موجب بروز تهدیداتی برای امنیت فرهنگی، امنیت هویت، امنیت شخصیت و ... شده اند. از این رو سازمانهای مردم نهاد نیازمند آموزش و نظارتی صحیح می باشند تا بتوانند در مسیر صحیح خود گام بردارند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

تعالی یک جامعه در گرو همت و حرکت مثبت عناصر تشکیل دهنده آن جامعه است. هر کدام از این عناصر باید در کنار یکدیگر، با یک هدف مشترک و به یک سمت حرکت کنند تا همچون سیلی عظیم موانع را پشت سر گذاشته و برای رسیدن به تعالی، قدرتمندانه به پیش بروند. این همسویی در جوامع اسلامی مصداق آیه کریمه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»

است و تبلور آن شکل گیری سازمانهای مردم نهاد می باشد. شکل گیری و گسترش سازمانهای مردم نهاد در هر جامعه ای می تواند نوید بخش رشد و شکوفایی آن جامعه در سایه مشارکت و همکاری مردم باشد و نمود این امر در کشورهای اسلامی دو چندان خواهد بود. این گونه سازمانها تأثیرات بسزایی بر امنیت جامعه می گذارند که یکی از مصداقهای مهم آن تأثیرگذاری آنها بر امنیت انسانی می باشد. عضویت افراد و به ویژه جوانان در سازمانهای مردم نهادی که بر اساس ضوابط مشخص تشکیل شده باشند، می تواند از جمله عوامل پیشگیری کننده از بزهکاریها بوده و موجب ارتقاء سطح امنیت فرد و متعاقب آن جامعه گردد. از این رو پرداختن به این مهم می تواند در دستور کار هر دولتی که به دنبال ایجاد امنیت برای مردم است قرار بگیرد. سازمان های مردم نهاد به ویژه سازمان های مردم نهاد جوانان می توانند در تمام ابعاد و جنبه های امنیت انسانی تأثیرگذار باشند. با نگاهی به مطالب ارائه شده می توان دریافت که اثرات مثبت فعالیت در سازمانهای مردم نهاد به مراتب بیشتر از اثرات منفی آن است که آن نیز با آموزش و نظارتی صحیح قابلیت تصحیح دارد. با توجه به نتایج حاصله از این تحقیق به نظر می رسد پیشنهادات زیر بتوانند کمک شایانی به دولت در جهت برقراری و گسترش امنیت انسانی نماید. حمایت از تشکیل و گسترش سمن های تخصصی به ویژه در حوزه جوانان و همچنین ارتقاء سطح دانش جامعه و مشارکت پذیری ایشان برای حضور و فعالیت در سازمانهای مردم نهاد که می تواند هم موجب کمک به دولت در جهت تحقق اهداف گردد و هم موجبات تأمین امنیت در تمام ابعاد بحث امنیت انسانی را فراهم آورد، ضروری به نظر می رسد. مسلماً مدیران سازمانهای مردم نهاد برای تحقق رسالت خود و همچنین پیشبرد اهداف، نیازمند حمایتهایی از سوی دولت می باشند. این حمایتها تنها به حمایتهای مالی خلاصه نمی شوند. سمن ها از بدو تأسیس نیازمند حمایت های دولتی مانند فراهم کردن زمینه ای مساعد برای تشکیل سمن؛ تسهیل و هموار نمودن مسیر تأسیس برای سازمانهای مردم نهاد؛ آموزش متقاضین تأسیس سمن و اعضاء فعال در سازمانهای مردم نهاد؛ نظارتی دقیق، صحیح و مبتنی علم در جهت کمک به سمن ها؛ اعتماد به سمن ها به ویژه سمن های جوانان با واگذاری پروژه های اجرایی به آنها و معرفی سمن ها به جامعه. شکل گیری سمن ها تنها نیاز نمی باشد و لازم است شرایط مناسبی برای فعالیت آنها فراهم گردد. این شرایط با تدوین قانونی مشخص در خصوص فعالیت های سمن ها و همچنین نظارتی دقیق بر آنها انجام می گیرد که از جمله مهمترین اقداماتی است که لازم است به آن پرداخته شود.

منابع

۱. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۰)؛ نظریه های جامعه شناسی؛ تهران؛ سمت.
۲. جلائیان، وجیهه (۱۳۸۶)؛ بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی جوانان و امنیت اجتماعی؛ مجموعه مقالات سمینار ملی امنیت، مشارکت، جامعه.
۳. خلیلی، رضا (۱۳۸۱)؛ مهاجرت نخبگان، پدیده اجتماعی یا موضوع امنیت ملی؛ فصلنامه پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ سال پنجم شماره ۲.
۴. رفیعی، فرشاد (۱۳۸۵)؛ اصول و مبانی مدیریت سازمانهای غیردولتی؛ کرمان؛ ودیعت.
۵. رفیعی، فرشاد (۱۳۸۷)؛ تفاوت‌های شخصیتی فعالین در سازمانهای مردم نهاد؛ کرمان؛ تحقیق میدانی.
۶. رفیعی، فرشاد (۱۳۸۷)؛ آسیب شناسی سازمانهای مردم نهاد جوانان ایران؛ همایش توانمندیهای سازمانهای مردم نهاد؛ کرمان؛ معاونت سیاسی امنیتی استانداری کرمان.
۷. رفیعی، فرشاد (۱۳۸۷)؛ نقش سازمانهای مردم نهاد جوانان در گسترش امنیت اجتماعی؛ همایش پلیس و امنیت اجتماعی؛ زنجان؛ فرماندهی انتظامی استان زنجان.
۸. صفی‌وند، محسن (۱۳۸۷)؛ نقش مردم در امنیت اجتماعی از زاویه تدابیر و سیره امام علی (ع)؛ فصلنامه پژوهش و اندیشه؛ سال پنجم شماره ۱۰.
۹. فریزی، دیوید (۱۳۷۴)؛ جامعه؛ ترجمه احمد تدین؛ تهران؛ آران.
۱۰. قالیباف، محمدباقر (۱۳۸۲)؛ تحلیل سیستمی امنیت اجتماعی و راهبردهای مدیریت آن؛ مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی جلد اول.
۱۱. کلاهچیان، محمود (۱۳۸۲)؛ راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی؛ مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی جلد اول.
۱۲. کیوان نیا، آرمان (۱۳۸۵)؛ هرآنچه لازم است درباره ایدز بدانید؛ www.snowydreams.com؛ کتاب الکترونیکی.
۱۳. محمد کامبد (۱۳۸۴)؛ امنیت اجتماعی = امنیت روانی؛ مجله اینترنتی فصل نو؛ تهران.
۱۴. نصری، غدیر (۱۳۸۱)؛ معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت؛ تهران؛ نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک شماره ۲۶.
۱۵. نمایان، پیمان (۱۳۸۵)؛ امنیت عمومی در پرتو مشارکت مردمی؛ فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی؛ سال دوم شماره ۴ و ۵.
۱۶. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۱)؛ درآمدی بر امنیت اجتماعی؛ فصلنامه پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ سال ششم شماره ۱.

۱۷. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵)، *گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی*؛ فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی؛ سال دوم شماره ۴ و ۵.
۱۸. هانسل، رابرت (۱۳۷۹)؛ *چهره متغیر امنیت ملی*؛ تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی.
19. Buzan, Barry (2002); *Security studies; beyond strategy*; www.york.ca
20. Hoffman, Stanly (1991); *security in the age of turbulence*. Means of reasons in third world conflict and international security adelphi papers No 167; summer.
21. human security report (2005) , *war and peace in the 21st century*; British Columbia university human security center.
22. Mitra, Miran (2000); *Assessment of societal security in recent past and today*; www.ncirs.org
23. UNDP (2006) Round Table on Transition and Human Security in Central Asia-Ashgabat; Turkmenistan, 22-24 April.